

Research Paper

Prediction of Psychological Well-being and Social Adjustment Based on Parent-Child Relationship Pattern in Adolescents with Divorced Parents in Hamadan

Zeinab Rabbani^{*1}

1. Department of Psychology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Citation

Rabbani Z. Prediction of Psychological Well-being and Social Adjustment Based on Parent-Child Relationship Pattern in Adolescents with Divorced Parents in Hamadan. *ijndd* 2023; 2(1) :42-51.

URL: <http://jndd.ir/article-1-7-fa.html>



CrossMark



ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

Parent-Child Relationship Pattern, Psychological Well-being, Social Adjustment, Adolescent, Divorce

Received: 16 Jan 2023

Accepted: 08 Apr 2023

Available: 20 June 2023

Introduction and purpose: The purpose of this research is to predict psychological well-being and social compatibility based on the pattern of parent-child relationship in teenagers with divorced parents in Hamadan city.

Method: The research design is descriptive of the correlation type. For this purpose, by referring to the welfare centers of Hamadan city, 260 teenagers from divorced families were selected by two-stage random sampling method and psychological well-being questionnaires (Reif, 2002), students' social adjustment questionnaire (Sinha and Singh, 1993) and They answered the parent-child relationship model questionnaire (Bagheri, 2011). Research data were analyzed using Pearson's correlation test and multiple regression analysis method.

Findings: The results showed that among the components of the parent-child relationship pattern, the components of formality, indecisiveness, pampering and entanglement negatively predicted the psychological well-being of adolescents. Also, among the components of the parent-child relationship model, only the control component negatively predicted the social adjustment of adolescents.

Conclusion: Therefore, it can be concluded that in divorced families, the way the guardian parent communicates affects the psychological well-being and adaptation of adolescents. In this way, the more permissive, irregular, or cold and formal the parents' parenting style is, the psychological well-being of adolescents decreases. Also, extreme control and supervision reduces their social adjustment.

***Corresponding author:** Zeinab Rabbani, Department of Psychology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail: rabbany2007@gmail.com

مقاله پژوهشی

پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه در شهر همدان

زینب ربانی*

۱. گروه روان‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

کلیدواژه‌ها

الگوی ارتباط والد-فرزند، بهزیستی روانشناختی، سازگاری اجتماعی، نوجوان، طلاق

مقدمه و هدف: هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه در شهر همدان می‌باشد.**روش:** طرح تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. بدین منظور با مراجعه به مراکز بهزیستی شهر همدان تعداد ۲۶۰ نوجوان از خانواده‌های طلاق به روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های بهزیستی روانشناختی (ریف، ۲۰۰۲)، پرسشنامه سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان (سینها و سینگ، ۱۹۹۳) و پرسشنامه الگوی ارتباط والد-فرزند (باقری، ۱۳۹۱) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.**یافته‌ها:** نتایج نشان داد از بین مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند، مولفه‌های رسمیت، تزلزل، نازپروردگی و درهم‌تنیدگی، بهزیستی روانشناختی نوجوانان را به طور منفی پیش‌بینی کردند. همچنین از بین مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند، تنها مولفه کنترل، سازگاری اجتماعی نوجوانان را به طور منفی پیش‌بینی کرد.**نتیجه‌گیری:** بنابراین نتیجه می‌شود در خانواده‌های طلاق، نحوه ارتباط والد سرپرست، بر بهزیستی روانشناختی و سازگاری نوجوانان تاثیر می‌گذارد. به این صورت که هر چه سبک فرزندپروری والدین، سهل‌گیرانه‌تر، بدون قاعده و یا سرد و رسمی باشد بهزیستی روانشناختی نوجوانان کمتر می‌شود. همچنین کنترل و نظارت افراطی سازگاری اجتماعی آنها را کاهش می‌دهد.**دریافت شده:** ۱۴۰۱/۱۰/۲۶**پذیرفته شده:** ۱۴۰۲/۰۱/۱۹**منتشر شده:** ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

* نویسنده مسئول: زینب ربانی، گروه روان‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: rabbany2007@gmail.com

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین واحد اجتماعی که کودک و نوجوان با آن سرو کار دارد، نقش اصلی و سازنده را در تکوین شخصیت آینده آنها به عهده دارد (۱). ساختار و عملکرد خانواده نخستین و پایدارترین عامل تاثیرگذار بر رشد روانی فرزندان بوده و موجب رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و عملکرد تحصیلی آنان می‌شود، لذا سلامت روانی فرزندان مستلزم تحکیم بنیان خانواده می‌باشد. یکی از عوامل مهمی که بنیان خانواده را تهدید می‌کند، طلاق است. فرزندان به عنوان اولین قربانیان این پدیده ناخوشایند، بر حسب سن و طول مدت تنش قبل از طلاق و اثرات محرومیت از والد جدا شده، دچار مشکلات مختلفی از جمله مشکلات رفتاری، عاطفی، کاهش عزت نفس، روابط بین فردی و افت تحصیلی می‌شوند (۲). اثرات منفی طلاق بر رشد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عملکرد تحصیلی فرزندان در تحقیقات نشان داده شده است (۳).

با وجود اینکه طلاق منجر به از هم پاشیدگی کانون خانواده شده و تاثیرات زیانباری برای زوجین و فرزندان دارد، این پدیده در بسیاری از کشورها روبه افزایش است. بر اساس آمار منتشرشده در مورد ازدواج و طلاق در سال ۲۰۱۰، روسیه با بیشترین نرخ طلاق، ۵ مورد به ازای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت در این کشور، مقام اول را داشته، در حالی که بلاروس با ۳/۸، اوکراین ۳/۶، مولداوی ۳/۵، جزایر کیمین و ایالات متحده‌ی امریکا ۳/۴، برمودا ۳/۳، کوبا ۳/۲ و لیتوانی ۳/۱ در رده های بعدی قرار داشتند. بر طبق آمارها میزان طلاق در ایران نیز در سال‌های ۱۳۸۵ تا کنون به طور پیوسته در حال افزایش بوده و از ۹۴ هزار طلاق در سال ۱۳۸۵ به ۱۱۰ هزار در سال ۸۷، ۱۳۷ هزار در سال ۸۹ و ۱۵۸ هزار در سال ۹۲ رسیده است (۴). با توجه به افزایش نرخ طلاق در جهان و به موازات آن در ایران و پیامدهای سوء آن بر افراد خانواده، به ویژه فرزندان، نیاز به تحقیقات بیشتری در این حوزه می‌باشد.

بر اساس نتایج تحقیقات قبلی، حضور والدین با هم بر رشد اجتماعی، عاطفی و روانی تأثیری به سزا دارد از اینرو فرزندان طلاق از کمترین حمایت و توجه اجتماعی برخوردارند. لذا عدم حضور والدین باعث به هم خوردن سازگاری اجتماعی و عاطفی شده (۵) و بهزیستی روانشناختی آنها را به خطر می‌اندازد. در فراتحلیلی که یحیی زاده و حامد (۱۳۹۴) بر مورد مسائل فرزندان طلاق و پیامدهای آن انجام دادند نتایج نشان دهنده وضعیت نامناسب فرزندان طلاق در شاخص های سلامت روان و زیر مقیاس های آن (نشانه های روان تنی، اضطراب و بی خوابی، ناکارآمدی اجتماعی و افسردگی)، همچنین سازگاری با افراد و محیط اطراف، عزت نفس و غیره بود (۶). بر اساس یافته های به دست آمده وضعیت سلامت روان فرزندان طلاق از فرزندان یتیم نیز نامطلوب تر بود (۷) و این کودکان فشارهای روانی بیشتری متحمل می‌شوند. همچنین بر اساس نتایج تحقیقات، فرزندان طلاق در زمینه های جسمی، شخصیتی، عاطفی، خانوادگی و تحصیلی و اقتصادی شرایط نامناسبی را تجربه می‌کنند. این آسیب ها به ویژه برای فرزندان نوجوان که در شرایط بحرانی و مشکلات دوران بلوغ به سر می‌برند وضعیت حادثتری دارد. سازگاری نوجوانان با خانواده به ویژه اعضای ناتنی کاهش می‌یابد. به طوری که این فرزندان ترجیح می‌دهند مشکلات خود را با اعضای خانواده در میان نگذارند و به دوستان و گروههای همسال پناه ببرند.

یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار در سلامت روانی فرزندان طلاق، میزان سازگاری آن ها می‌باشد (۸). سازگاری به خصوصیات فردی که هر شخص برای مدیریت روانی - اجتماعی برای بهبود زندگی خود به کار می‌برد اطلاق می‌گردد. هرگاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که احساس ناخوشایندی به وی دست دهد، برای ایجاد توازن نیازمند به کارگیری نیروهای درونی و حمایت خارجی است، در این صورت اگر در به کارگیری سازوکارهای جدید موفق شود و مسئله را به نفع خود حل کند، فرایند سازگاری ایجاد می‌شود. ابعاد سازگاری شامل سازگاری اجتماعی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی است که در رأس همه، سازگاری اجتماعی قرار دارد؛ به طوری که این سازگاری پیش درآمد رسیدن به سازگاری عاطفی و اخلاقی تلقی می‌شود. تجربه‌ی طلاق سازگاری افراد را در تمام ابعاد روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌شود. نتایج مطالعات حاکی از اثر سوء طلاق بر سازگاری فرزندان و بویژه سازگاری اجتماعی آنهاست (۹).

علاوه بر سازگاری در فرزندان طلاق، بهزیستی روانشناختی آن ها نیز در معرض خطر می‌باشد. بهزیستی روانشناختی یکی از مولفه های اصلی سلامت عمومی و رضامندی از زندگی است. این سازه به کلیه فرایندهایی اشاره دارد که باعث رضایت کلی فرد از زندگی می‌شود تا فرد روحیه بهتری داشته باشد و با آرامش زندگی کند. همچنین به معنای قابلیت یافتن تمام استعدادهای فرد، داشتن نگرش مثبت نسبت به خود، پذیرفتن جنبه های مختلف خود، داشتن احساس مثبت نسبت به زندگی گذشته است (۱۰). ریف (۲۰۱۴) بهزیستی روانی را به عنوان احساس سلامتی و تندرستی در نظر می‌گیرد که آگاهی از تمامیت و یکپارچگی همه جنبه های وجود است. مطالعات مختلف نشان دهنده این است که سازه های مثبت از جمله بهزیستی روانشناختی نه تنها از عوامل نگهدارنده سطح عملکرد بهینه فرد هستند بلکه به مشارکت بیش تر و موثرتر در فرایند رویارویی با موقعیت های دشوار زندگی منجر می‌شوند و در نتیجه عوامل محافظتی بیشتری را فراهم می‌آورند. ارتقاء بهزیستی روانشناختی بخصوص در گروههایی که بهزیستی پایینی دارند و یا در معرض خطر هستند ضرورت دارد. بر این اساس ارتقا سطح بهزیستی روانشناختی در مورد فرزندان طلاق به ویژه جهت مصون سازی آنها از آسیب های ناشی از طلاق، به شدت مورد تاکید می‌باشد. در مطالعات معدودی بهزیستی روانشناختی فرزندان طلاق بررسی شده است. بنابراین در این پژوهش، این ویژگی در نوجوانان خانواده های طلاق، مطالعه و عوامل موثر بر آن بررسی می‌شود (۱۱).

بر اساس نتایج مطالعات، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی نوجوانان، نحوه ارتباط آنها با والدینشان می‌باشد (۱۲). این ارتباط در ادبیات پژوهشی تحت عنوان سبک های فرزندپروری مطرح می‌باشد. هر خانواده‌ای با توجه به ویژگی‌های پدر و مادر و تقاضاهای آنها و پاسخ‌دهی

فرزندان، شیوه‌های تربیتی و فرزندپروری ویژه‌ای را انتخاب می‌کند که با رفتارها و ویژگی‌های خاص در فرزندان، رابطه نشان داده‌اند. در این راستا باقری (۱۳۹۱) الگویی جهت بررسی رابطه والدین و فرزندان ارائه کرده است. رابطه والد-فرزندی عبارت است از ارتباطات بین والدین و فرزندان که حاکی از وجود اعتماد و رابطه عاطفی، برقراری گفتگو و تفاهم، کمک و همراهی والدین و همانندسازی فرزند با والدین می‌باشد (۱۳). در تعریف باقری، الگوهای ارتباط والد فرزند، متشکل از سه الگوی اصلی در روابط حاکم بین والدین و فرزندان است. این الگوها عبارت‌اند از ۱. الگوی ارتباط امنیت مدار، ۲. الگوی تعادلی و ۳. الگوی آزادی مدار. هر الگو از چهار زیرمقیاس تشکیل شده است. تمامی خرده مقیاس‌ها در چهار بعد نظم می‌یابند که وضعیت‌های مختلفی از چهار بعد ۱. ارزش‌ها، باورها و قواعد، ۲. حمایت در کسب تجربه، ۳. فردیت و ۴. خودپذیری هستند. به این صورت که سبک امنیت مدار شامل خرده مقیاس‌های انعطاف‌ناپذیری، کنترل و محدودیت، رسمیت و ارزش مشروط بوده و سبک آزادی مدار شامل خرده مقیاس‌های تزلزل/نرمی، نازپروردگی، درهم‌تنیدگی، بی‌تفاوتی/رهایی می‌باشد و سبک تعادلی در بین این دو سبک قرار دارد. پژوهش‌های متعددی به بررسی الگوهای ارتباطی والد-فرزند و متغیرهایی مانند سلامت روان در فرزندان پرداخته‌اند. فخاری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط والد فرزند بر سلامت روان در دختران سال اول دبیرستان‌های تبریز، نشان دادند که بین رابطه والد فرزند و سلامت روان همبستگی معناداری وجود دارد و میزان اختلالات افسردگی و اضطراب و بی‌خوابی در بین دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان بالا است. طاهری و همکاران (۱۳۹۵) نیز به بررسی پیش‌بینی مهارت‌های ارتباط بین فردی بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزند و نگرش معنوی در نوجوانان دختر پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که از بین ابعاد نگرش معنوی، بعد نگرش معنوی به صورت معنادار و مثبتی، مهارت‌های ارتباط بین فردی را پیش‌بینی می‌کند. از بین ابعاد الگوی ارتباط پدر-فرزند، بعد رسمیت و از بین ابعاد الگوی ارتباط مادر-فرزند، بعد تزلزل-نرمی به صورت معنادار و منفی مهارت‌های ارتباط بین فردی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند. بر اساس مبانی نظری و تحقیقات انجام شده در رابطه با وضعیت روانشناختی فرزندان طلاق، نوع رابطه والد سرپرست در میزان سازگاری و در نهایت بهزیستی روانشناختی آنها تأثیر زیادی دارد. مرور ادبیات تحقیق نشان داد رابطه مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند با سازگاری اجتماعی و بهزیستی روانشناختی تاکنون بررسی نشده است. با توجه به اهمیت بررسی این روابط در جهت تعیین مولفه‌های اثرگذار، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پیش‌بین بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی با الگوی ارتباط والد-فرزند در فرزندان طلاق انجام شد.

روش

پژوهش حاضر با توجه به هدف آن از نوع مطالعات کاربردی است و به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق را نوجوانان با والدین مطلقه شهر همدان تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه این پژوهش از نوع همبستگی و رگرسیون است، از قاعده گرین (۱۹۹۱) برای تعیین حجم نمونه استفاده شد. گرین برای آزمون پیش‌بین‌های منفرد موجود در مدل رگرسیون (ضرایب رگرسیون) بر اساس تعداد متغیرهای پیش‌بین (k) حداقل حجم نمونه را $k + 104 = 112 = 8 + 104$ به دست آمد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای بود. به این صورت که با مراجعه به اداره بهزیستی شهر همدان، از بین مجتمع‌های خدمات بهزیستی دو مجتمع به تصادف انتخاب شد و پس از اخذ مجوز، با مراجعه به این مراکز تعدادی از نوجوانان مرتبط با مرکز به تصادف انتخاب شدند. در نهایت تعداد ۲۶۰ نوجوان با والدین مطلقه در پژوهش حاضر شرکت کردند.

ابزار

در این پژوهش از سه پرسشنامه به شرح زیر استفاده گردید.

الف. مقیاس بهزیستی روانشناختی^۱: این مقیاس توسط کارول ریف در دانشگاه ویسکانسین ساخته شده است (ریف، ۱۹۸۹). فرم کوتاه آن دارای ۱۸ سوال می‌باشد که در سال ۱۳۷۵ توسط سیاحی و شکرکن ترجمه و هنجاریابی شد. این آزمون شش عامل را در بر می‌گیرد که به صورت زیر می‌باشد: استقلال یا خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت بادیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود. طیف نمره گذاری گویه‌های این پرسشنامه براساس طیف لیکرت شش گزینه‌ای شامل کاملاً مخالفم = ۱، تا حدودی مخالفم = ۲، کمی مخالفم = ۳، کمی موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵ می‌باشد. برای بدست آوردن امتیاز مربوطه به هر بعد مجموع امتیازات آن بعد را با هم جمع نموده و به منظور به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه مجموع امتیازات تک تک سوالات را محاسبه می‌نمائیم. نمره بالاتر نشان دهنده بهزیستی روانشناختی بالاتر می‌باشد و برعکس. بررسی روایی سازه ابزار فوق از طریق تحلیل عاملی تأییدی نشان داد، شش عامل پیشنهادی سازندگان در مقیاس با مدل‌های یک و سه عاملی ارزش بهتری داشته و این نمونه مورد تأیید است همچنین در پژوهش خانجانی و همکاران (۱۳۹۳) نتایج تحلیل عاملی تأییدی تک گروهی نشان داد که در کل نمونه، الگوی شش عاملی این مقیاس از برازش خوبی برخوردار است. همسانی این مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ در ۶ عامل فوق به ترتیب برابر با پذیرش خود ۵۱/۰، تسلط محیطی ۷۶/۰، رابطه مثبت با دیگران ۵۲/۰، داشتن هدف در زندگی ۷۳/۰، رشد

^۱ scale of psychological well-being

شخصی و استقلال ۰/۷۲، و برای کل مقیاس ۰/۷۱ به دست آمد (۱۴). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه سرمایه روانشناختی برابر ۰/۸۰ به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی مطلوبی برخوردار است. روایی این پرسش نامه به روش همسانی درونی با محاسبه ضرایب همبستگی بین مولفه های پرسشنامه با نمره کل بررسی شد. ضرایب همبستگی بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۶ به دست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ و کمتر معنادار بودند. بنابراین روایی این پرسشنامه نیز تایید شد.

ب- پرسشنامه سازگاری اجتماعی دانش آموزان^۱ این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ توسط سینه‌ها و سینگ به منظور تعیین سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی دانش آموزان ساخته شده است (سینه‌ها و سینگ، ۱۳۸۰). پرسشنامه حاضر ۵۵ گویه دارد و نمره گذاری آن به صورت صفر و یک می باشد. این پرسشنامه شامل سه مولفه سازگاری اجتماعی، سازگاری هیجانی و سازگاری تحصیلی است. نمره گذاری گویه های پرسشنامه بر اساس صفر (خیر) و یک (بلی) است. امتیاز مولفه ها از مجموع سوالات به دست می آید. البته تعدادی از سوالات معکوس می باشند. حداقل امتیاز ممکن ۱۸ و حداکثر ۹۰ خواهد بود. امتیاز به دست آمده به این صورت قضاوت می شود، نمره بین ۰ تا ۱۸ نشان دهنده ی سازگاری اجتماعی پایین دانش آموز است، نمره بین ۱۸ تا ۲۷، سازگاری اجتماعی متوسط دانش آموز را نشان می دهد و نمره بالاتر از ۲۷، بیانگر سازگاری اجتماعی بالای دانش آموز است. سازندگان آزمون ضریب پایایی این آزمون را با روش های دو نیمه کردن، بازآزمایی و کودر ریچاردسون به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ و ۰/۹۴ به دست آورده اند. همچنین روایی محتوایی این آزمون را ۲۰ نفر از متخصصان روانشناسی تایید کرده اند. در پژوهش خانجانی زاده و باقری (۱۳۹۱) پایایی خرده مقیاس سازگاری اجتماعی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر ۰/۷۲ به دست آمد. به منظور بررسی روایی این پرسش نامه، ضرایب همبستگی بین مولفه های پرسشنامه و نمره کل محاسبه شد. ضرایب همبستگی گویه های پرسشنامه بین ۰/۳۶ تا ۰/۵۹ به دست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ و کمتر معنادار بودند. بنابراین روایی این پرسشنامه نیز تایید شد.

ج- پرسشنامه الگوی ارتباط والد- فرزند. به منظور سنجش الگوی ارتباط والد فرزند، از پرسشنامه ۴۸ گویه ای باقری (۱۳۹۱) که پرسشنامه‌ای ایرانی اسلامی است، استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴۸ سؤال در مقیاس لیکرت پنج درجه ای (کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظر خاصی ندارم = ۳، مخالفم = ۲ و کاملاً مخالفم = ۱) است. این پرسشنامه هر کدام از خرده مقیاسها را با ۶ سؤال می سنجد. حداقل نمره در این آزمون ۶ و حداکثر نمره ۳۶ می باشد که نقطه برش آن نمره ۲۱ می باشد. در این پرسشنامه دو سبک امنیت مدار و آزادی مدار سنجیده می شود. هر یک از این سبک ها دارای ۴ خرده مقیاس می باشد. سبک امنیت مدار شامل خرده مقیاس های انعطاف ناپذیری، کنترل و محدودیت، رسمیت، ارزش مشروط، و سبک آزادی مدار شامل خرده مقیاس های تزلزل / نرمی، نازپروردگی، درهم تنیدگی، بی تفاوتی / رهایی است. باقری و غفاری جعفرزادگان (۱۳۹۲) نمره پایایی کل پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۶ به دست آوردند. ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های انعطاف ناپذیری، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت نازپروردگی، رسمیت، درهم تنیدگی، مقبولیت مشروط، رهایی، در پدران به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۵۶، ۰/۶۴/۷۸، ۰/۷۴، ۰/۸۲، ۰/۵۹، ۰/۶۲ و در مادران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۵۹، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۸، ۰/۶۸، ۰/۶۱ توسط این پژوهشگران گزارش شده است. این پژوهشگران روایی محتوایی و صوری پرسشنامه را با نظر متخصصان و همچنین روایی سازه آن را با روش های تحلیل مؤلفه های اصلی، تحلیل گویه ها، ضریب تمیز، ضریب دشواری و روش لوپ و همچنین انجام تحلیل عاملی اکتشافی و بعد تاییدی بررسی کردند که نتایج حاکی از روایی این پرسشنامه بود. در پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش از خرده مقیاس های این سازه استفاده شد. پایایی این پرسشنامه و خرده مقیاس های آن به روش همسانی درونی بررسی شده و میزان ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از زیر مقیاس ها و کل پرسشنامه محاسبه گردید. برای برخی از خرده مقیاس ها ضریب کمتر از ۰/۳ به دست آمد با حذف گویه های نامربوط مجدداً ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه الگوی ارتباط والد فرزند و مولفه های انعطاف ناپذیری، کنترل، رسمیت، ارزش مشروط، تزلزل، نازپروردگی، درهم تنیدگی و رهایی به ترتیب برابر، ۰/۸۳، ۰/۸۷، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۶۰، ۰/۸۷، ۰/۷۷، ۰/۴۵ و ۰/۸۵ به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی مناسبی برخوردار است. روایی این پرسش نامه نیز با محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره گویه های پرسشنامه با نمره کل بررسی شد. این ضرایب بین ۰/۳۷ تا ۰/۸۱ به دست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. بنابراین روایی این پرسشنامه مورد تایید است.

یافته ها

در پژوهش حاضر با استفاده از روشهای آمار توصیفی و آمار استنباطی مناسب، داده های جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۷۱ پسر (۶۶ درصد) و ۸۹ دختر (۳۴ درصد) بود. به لحاظ سنی کلیه شرکت کنندگان نوجوان بودند. ۶۷ نفر آن ها (۲۶ درصد) کمتر از ۱۲ سال، ۱۰۵ نفر (۴۰ درصد) بین ۱۲ تا ۱۴ سال و ۸۸ نفر (۳۴ درصد)، ۱۴ سال به بالا داشتند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۱۳/۰۸ سال به دست آمد. از نظر تحصیلات ۱۶۹ نفر (۷۵ درصد) از شرکت کنندگان، محصل بوده و ۶۴ نفر (۲۵ درصد) ترک تحصیل کرده بودند. شاخص های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، مقدار کمینه و بیشینه برای هر یک از متغیر های پژوهش محاسبه شد (جدول ۱).

^۱ students' social adjustment questionnaires

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (تعداد شرکت کنندگان = ۲۶۰)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
انعطاف ناپذیری	۱۰/۰۸	۳/۱۲	۰/۴۸۰	-۰/۲۸۴	۴	۱۸
کنترل	۱۲/۵۳	۴/۳۸	۰/۰۰۸	-۰/۶۰۲	۵	۲۲
رسمیت	۸/۴۳	۲/۵۹	-۰/۱۸۷	-۰/۵۳۳	۳	۱۴
ارزش مشروط	۷/۶۰	۲/۳۵	۰/۲۹۱	-۰/۱۸۷	۳	۱۴
تزلزل	۱۰/۱۴	۳/۳۸	۰/۶۶۴	۰/۴۰۱	۴	۲۰
نازپروردگی	۱۵/۱۸	۳/۸۳	۰/۴۵۰	-۰/۴۶۷	۸	۲۵
درهم تنیدگی	۵/۵۵	۱/۹۶	۰/۰۰۸	-۰/۹۱۴	۲	۹
رهایی	۷/۵۷	۲/۵۵	۰/۲۳۶	-۰/۷۸۵	۳	۱۳
بهبودی روانشناختی	۵۹/۶۸	۵/۰۸	۰/۴۴۳	۰/۰۲۹	۵۰	۷۶
سازگاری اجتماعی	۲۵/۰۰	۲/۹۸	۰/۶۴۵	۰/۴۰۹	۲۰	۳۵

بر اساس نتایج جدول ۱، میانگین مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند از ۷/۶۰ برای ارزش مشروط تا ۱۵/۱۸ برای نازپروردگی می‌باشد. میانگین بهبودی روانشناختی برابر با ۵۹/۶۸ و میانگین سازگاری اجتماعی ۲۵/۰۰ به دست آمد. همچنین شاخص انحراف استاندارد متغیرها نشان دهنده وجود تغییرات در نمرات متغیرهای پژوهش و امکان انجام تحلیل‌های استنباطی است. شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرها نیز که در دامنه ۱ و -۱ می‌باشد، بیانگر بهنجاری توزیع متغیرهای پژوهش است. به منظور بررسی دقیق‌تر بهنجاری نمودار هیستوگرام متغیرهای پژوهش رسم گردید. کلیه نمودارها نشان دهنده توزیع نرمال متغیرهای پژوهش بود.

پس از بررسی پیش فرض بهنجاری متغیرها جهت استفاده از آزمون‌های پارامتریک و تایید آن، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه شد (جدول ۲).

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند، بهبودی روانشناختی و سازگاری اجتماعی

متغیر	انعطاف‌پذیری	کنترل	رسمیت	ارزش مشروط	تزلزل	نازپروردگی	درهم‌تنیدگی	رهایی
بهبودی روانشناختی	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۲۶**	-۰/۱۰	-۰/۱۶*	-۰/۱۹*	-۰/۷۴**	-۰/۰۲
سازگاری اجتماعی	-۰/۰۷۵	-۰/۱۴*	-۰/۰۲۳	-۰/۰۸۳	-۰/۱۱۵	-۰/۰۶۵	-۰/۱۰۸	-۰/۰۸۲

** سطح معنی‌داری ۰/۰۵، *** سطح معنی‌داری ۰/۰۱

بر اساس اطلاعات جدول ۲، روابط برخی از مولفه‌های الگوی والد-فرزند با بهبودی روانشناختی معنادار شد. به این صورت که ضریب همبستگی بین مولفه رسمیت و بهبودی روانشناختی برابر ($r = -0.26, p < 0.01$) به دست آمد که نمایانگر رابطه متوسط و منفی بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب همبستگی بین مولفه تزلزل و بهبودی روانشناختی برابر ($r = -0.16, p < 0.05$) شد که نمایانگر رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب همبستگی بین مولفه نازپروردگی و بهبودی روانشناختی برابر ($r = -0.19, p < 0.05$) به دست آمد که نمایانگر رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر می‌باشد و ضریب همبستگی بین مولفه درهم‌تنیدگی و بهبودی روانشناختی برابر ($r = -0.74, p < 0.01$) شد که نمایانگر رابطه قوی و منفی بین این دو متغیر می‌باشد. اما روابط بین مولفه‌های انعطاف ناپذیری، کنترل، ارزش-مشروط و رهایی معنادار نشد. بنابراین نتیجه می‌شود افزایش رسمیت، تزلزل، نازپروردگی و درهم‌تنیدگی والد سرپرست در نوجوانان والدین مطلقه شهر همدان با کاهش بهبودی روانشناختی آنها همراه است.

همچنین از بین مولفه‌های الگوی والد-فرزند، تنها مولفه کنترل با سازگاری اجتماعی معنادار شد. به این صورت که ضریب همبستگی بین مولفه کنترل و بهبودی روانشناختی برابر ($r = -0.145, p < 0.01$) به دست آمد که نمایانگر رابطه منفی و ضعیف بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب همبستگی بین مولفه تزلزل و بهبودی روانشناختی برابر ($r = -0.16, p < 0.05$) شد که نمایانگر رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر می‌باشد. اما روابط بین مولفه‌های انعطاف ناپذیری، رسمیت، ارزش-مشروط، تزلزل، نازپروردگی، درهم‌تنیدگی و رهایی معنادار نشد. بنابراین نتیجه می‌شود افزایش کنترل والد سرپرست در نوجوانان والدین مطلقه شهر همدان با کاهش سازگاری اجتماعی آنها همراه است.

به منظور بررسی رابطه پیش بین بهبودی روانشناختی با مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه در شهر همدان از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. این روش دارای چندین مفروضه است. پیش فرض بهنجاری متغیرها در بخش قبلی تایید شد. پیش فرض عدم همخطی چندگانه و خطی بودن در خروجی تحلیل رگرسیون قابل بررسی می‌باشد که همزمان با تحلیل رگرسیون به آن‌ها پرداخته می‌شود. برای انجام روش تحلیل رگرسیون

چندگانه از روش همزمان استفاده شد. در این روش تمام متغیرهای پیش بین به طور همزمان وارد تحلیل می‌شوند. هر متغیر بر اساس توان پیش بین خودش افزون بر همه متغیرهای پیش بین دیگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و هدف این است که این مجموعه از متغیرها به عنوان یک گروه یا بلوک، چه اندازه از واریانس در متغیر ملاک را می‌توانند تبیین کنند. در ابتدا مناسب بودن برازش مدل رگرسیونی به کمک تحلیل واریانس آنوا (ANOVA) بررسی شد. مقدار آماره فیشر (F) در آنالیز واریانس برابر با عدد $57/253$ با ارزش معناداری $0/001$ به دست آمد. در نتیجه مدل رگرسیونی از برازش مناسبی برخوردار بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در جدول ۳ ذکر شده است.

جدول ۳. ضرایب و معناداری رگرسیون پیش بینی بهزیستی روانشناختی بر اساس مولفه‌های ارتباط والد-فرزند

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد شده		مدل
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب غیر استاندارد (b)	
		بتا (β)	خطای استاندارد	
				ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۹/۲۶۵		۰/۹۹۳	۹/۲۰۲
-۰/۱۱۱	-۱/۵۹۹	-۰/۲۷	۰/۱۴۰	-۰/۲۲۳
۰/۰۰۰	-۴/۳۷۲	-۰/۲۱	۰/۰۴۸	-۰/۲۱۲
۰/۳۱۷	-۱/۰۰۲	-۰/۰۳۱	۰/۰۲۶	-۰/۰۲۶
۰/۰۲۹	-۲/۲۰۲	-۰/۲۰	۰/۰۹۹	-۰/۲۱۸
۰/۱۴۲	-۱/۴۷۲	-۰/۱۶	۰/۰۸۲	-۰/۱۲۱
۰/۰۳۴	-۴/۹۹۷	-۰/۱۸	۰/۰۸۳	-۰/۲۰۶
۰/۰۰۰	-۱۲/۴۹۵	-۰/۶۳	۰/۰۶۷	-۰/۸۳۱
۰/۰۶۰	-۱/۸۸۸	-۰/۳۱	۰/۱۶۸	-۰/۳۱۷

متغیر ملاک: بهزیستی روانشناختی

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد ضرایب رگرسیون استاندارد شده (β) برای مولفه‌های رسمیت ($\beta = -0/21$)، ارزش مشروط ($\beta = -0/20$)، نازپروردگی ($\beta = -0/18$) و درهم تنیدگی ($\beta = -0/63$) منفی و معنادار شده ($p < 0/05$) اما ضرایب مولفه‌های دیگر معنادار نشد. بنابراین این مولفه‌ها سهمی در تبیین تغییرات بهزیستی روانشناختی ندارند. بر اساس ضرایب رگرسیون، اگر یک واحد به میزان رسمیت اضافه شود مقدار $0/21$ از میزان بهزیستی روانشناختی کم می‌شود. همچنین افزودن یک واحد به ارزش مشروط موجب کاهش $0/20$ از بهزیستی روانشناختی شده، افزودن یک واحد به نمره نازپروردگی به کاهش $0/18$ از نمره بهزیستی روانشناختی منجر شده و اضافه کردن یک واحد به نمره درهم تنیدگی موجب کاهش $0/63$ از نمره بهزیستی روانشناختی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت مولفه‌های رسمیت، ارزش مشروط، نازپروردگی و درهم تنیدگی در ارتباط والد-فرزند بر بهزیستی نوجوانان والدین مطلقه شهر همدان اثر منفی دارد. واریانس تبیین شده بهزیستی روانشناختی توسط مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند نیز 65 درصد به دست آمد. به این معنی که مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند 65 درصد از تغییرات بهزیستی روانشناختی را تبیین کردند. خروجی‌های تحلیل رگرسیون نشان داد شاخص‌های عامل تورم واریانس^۱ برای متغیرهای پیش بین کمتر از $10/06$ و ضریب تحمل^۲ آنها بالاتر از $0/1$ ($0/606$) می‌باشد. بنابراین همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین وجود نداشت. همچنین نمودار پراکندگی باقیمانده‌ها نشان دهنده خطی بودن رابطه بین متغیرهای پژوهش بود. نمودار احتمال نرمال نیز نشان دهنده این بود که نقاط روی خط مورب مستقیم از انتهای چپ تا بالای سمت راست قرار گرفته‌اند. بنابراین انحراف زیادی از بهنجاری وجود ندارد. در نمودار پراکندگی باقیمانده‌ها استاندارد نیز توزیعی تقریباً مستطیل شکل دیده می‌شود بنابراین اکثر نمره‌ها در مرکز جمع شده‌اند و چون الگوی نظامداری مانند منحنی در باقیمانده‌ها دیده نمی‌شود حاکی از رابطه خطی بین نمره‌های متغیر وابسته و خطاهای پیش بین است. بر این اساس مفروضه‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برقرار بوده است.

رابطه پیش بین سازگاری اجتماعی با مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه در شهر همدان، نیز به روش تحلیل رگرسیون چندگانه بررسی شد. با توجه به اینکه اکثر مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند با سازگاری اجتماعی رابطه معناداری نداشتند از روش «انتخاب رو به جلوی»^۳ متغیرها استفاده شد. در این روش، تنها متغیرهای پیش بینی که از معیارهای لازم جهت ورود به معادله رگرسیون (متغیرهای مستقل با ضریب همبستگی معنادار مثبت یا منفی بالاتر) برخوردارند، اولین گزینه جهت ورود به معادله می‌باشند. بر اساس نتایج، مقدار آماره فیشر (F) برابر با عدد $5/515$ با ارزش معناداری $0/020$ به دست آمد. بنابراین مدل رگرسیونی از برازش قابل قبولی برخوردار بود. در ادامه ضرایب ثابت و ضریب رگرسیون ارائه شده است (جدول ۴).

^۱VIF
^۲ Tolerance
^۳ Forward Selection

جدول ۴. ضرایب و معناداری رگرسیون پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس مولفه‌های ارتباط والد-فرزند

متغیر ملاک:	ضرایب رگرسیون		ضرایب استاندارد شده رگرسیون		سطح معناداری (sig)
	بی (b)	خطای استاندارد	بتا (β)	t	
سازگاری اجتماعی	۲۰/۴۸۹	۰/۹۴۲	-	۲۱/۷۴۳	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	-۰/۱۶۷	۰/۰۷۱	-۰/۱۵	-۲/۳۴۸	۰/۰۲۰

متغیر ملاک: سازگاری اجتماعی

بر اساس نتایج جدول ۴ از بین مولفه‌های ارتباط والد فرزند، تنها مولفه کنترل بر سازگاری اجتماعی اثر معنادار داشت. ضریب رگرسیون استاندارد شده برای مولفه کنترل ($\beta = -0/15$) به دست آمد که در سطح $0/05$ معنادار بود. ضرایب دیگر مولفه‌ها معنادار نشد بنابراین سهمی در تبیین تغییرات سازگاری اجتماعی نداشتند. بنابراین اگر یک واحد به میزان کنترل اضافه شود مقدار $0/15$ از میزان سازگاری اجتماعی کم می‌شود. همچنین بر اساس میزان واریانس تبیین شده، مولفه کنترل از الگوی ارتباط والد-فرزند توانست ۲ درصد از تغییرات سازگاری اجتماعی را تبیین کند. خروجی‌های تحلیل رگرسیون نیز نشان داد شاخص‌های عامل تورم واریانس برای متغیرهای مستقل کمتر از $10(0/03)$ و ضریب تحمل آنها بالاتر از $0/1(0/111)$ می‌باشد. بنابراین همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین وجود نداشت. همچنین نمودار پراکنندگی باقیمانده‌ها نشان دهنده خطی بودن رابطه بین متغیرهای پژوهش بود. بنابراین مفروضه‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برقرار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی بر اساس مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه در شهر همدان بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد برخی مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند توانستند بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی را به طور معنادار پیش‌بینی کنند. در ادامه این نتایج به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

اولین یافته این پژوهش این بود که از بین مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند، مولفه‌های رسمیت، تزلزل، ناپرووردگی و درهم‌تنیدگی، بهزیستی روانشناختی را به طور منفی پیش‌بینی کردند ولی ضرایب رگرسیون مولفه‌های انعطاف‌ناپذیری، کنترل، ارزش-مشروط و رهایی معنادار نشد. همچنین مولفه‌های مذکور ۶۵ درصد از واریانس بهزیستی روانشناختی را تبیین کردند. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پوتر (۲۰۱۰)، یوجی و همکاران (۲۰۱۴)، خدابخش و همکاران (۲۰۱۴)، حمیدی کلاگرسرا و همکاران (۱۳۹۵)، و کاظمیان و کریمی (۱۳۹۷) هم‌راستا می‌باشد. بهزیستی روانی به معنی داشتن احساس مثبت و رضایتمندی عمومی از زندگی در حوزه‌های مختلف خانواده، شغل و نظیر این موارد است (ریف، ۲۰۱۴). احساس بهزیستی هم دارای مولفه‌های عاطفی و هم مولفه‌های شناختی است. افراد با احساس بهزیستی بالا به طور عمده‌ای هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند، در حالی که افراد با احساس بهزیستی پایین حوادث و موقعیت زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و بیشتر هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند. این تجربیات و ارزیابی‌ها از دوران کودکی در بطن خانواده در انسان شکل می‌گیرد. بنابراین خانواده از عوامل مهم در بهزیستی روانشناختی فرزندان است. در خانواده‌هایی که تنش‌ها و تعارضات بین والدین زیاد است مانند خانواده‌های طلاق، فرزندان بیشتر رویدادهای منفی را تجربه کرده و سلامت روانی آنها در معرض خطر قرار دارد و از بهزیستی روانشناختی کمتری برخوردارند. این فرزندان بیشتر مستعد مشکلات روانشناختی از جمله اضطراب، افسردگی و بزهکاری هستند. پیامدهای منفی طلاق والدین در فرزندان نوجوان که با بحران دوره بلوغ نیز مواجه هستند بیشتر می‌باشد. والدینی که از هم جدا می‌شوند تا مدت‌ها درگیر مشکلات و ناکامی‌هایی پس از طلاق می‌شوند که رابطه آنها با فرزندان‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برخی از والدین سعی می‌کنند با دادن آزادی افراطی به فرزندان عذاب وجدان خود به خاطر شکست در زندگی را کاهش دهند. برخی نیز ممکن است به علت عدم تحمل فشارهای ناشی از طلاق، از جمله مشکلات اقتصادی زودرنج و کم‌حوصله یا مضطرب و افسرده شوند و این تغییر خلق در رابطه آنها با فرزندان تاثیر گذاشته و آنها را نیز دچار مشکلات روانشناختی کند. در پژوهش حاضر نتایج نشان داد از بین مولفه‌های الگوی ارتباط والد فرزند، مولفه رسمیت از سبک امنیت مدار و سه مولفه تزلزل، ناپرووردگی و درهم‌تنیدگی از سبک آزادی مدار بر بهزیستی روانشناختی اثر منفی داشتند. بنابراین می‌توان گفت اگر والد سرپرست نوجوان، ارتباط عاطفی خوبی با او برقرار نکند به او کم‌توجهی کرده و ساعاتی از روز را با او نگذراند، نوجوان دچار کمبود و خلای عاطفی می‌گردد و احساس شادی و بهزیستی روانی او کاهش می‌یابد. از طرف دیگر اگر ارتباط والد با فرزند ثبات نداشته باشد، پدر یا مادر گاهی وقتها بسیار صمیمی و عاطفی برخورد کند و گاهی وقتها سرد و بی‌روح باشد، و حالات هیجانی شدید و متغیری داشته باشند، نوجوان نیز دچار بی‌ثباتی عاطفی شده و سلامت روانی به خطر می‌افتد. برخی از والدین نیز کلیه وظایف فرزند خود را انجام می‌دهند تا به گمان خود خلای ناشی از طلاق را جبران کرده و رفاه و آسایش آن‌ها را تامین کنند. اما برخلاف تصور آنها، فرزندان‌شان در مواجهه با

کوچکترین مشکلی به شدت برآشفته می‌شوند و بیشتر در معرض مشکلات روانشناختی بوده و بهزیستی روانشناختی پایین‌تری دارند، به این دلیل که میزان مشکلات، تعیین‌کننده بهزیستی افراد نمی‌باشد بلکه نحوه کنار آمدن با مشکلات و مسائل ناگوار و چگونگی برخورد با آنها، بهزیستی روانشناختی را شکل می‌دهد. همچنین والدی که از اقتدار لازم برای تربیت فرزند خود برخوردار نیست و نمی‌تواند قاعده و چارچوب مشخصی در زندگی تعیین کند، نیز موجب افزایش تنش و کم‌رنگ شدن روابط و کاهش بهزیستی روانشناختی فرزندانش می‌شود.

یافته دیگر این پژوهش این بود که از بین مولفه‌های الگوی ارتباط والد-فرزند، تنها مولفه کنترل توانست سازگاری اجتماعی را به طور منفی پیش‌بینی کند و این مولفه دو درصد از واریانس سازگاری اجتماعی را تبیین کرد. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات ملتفت و خیر (۱۳۹۱). شهنی بیلاق و همکاران (۱۳۹۲)، پور عبدل و همکاران (۱۳۹۴)، شجری و حجازی (۱۳۹۸)، اعرابیان، ابوالمعالی و پاشا شریفی (۱۳۹۴)، پلرون و همکاران (۲۰۱۴)، تامپسون (۲۰۱۵)، جورگیزار و همکاران (۲۰۱۸)؛ چن و همکاران (۲۰۱۵) هم راستا می‌باشد. بر اساس تعریف انجمن روان‌پزشکان آمریکا (۱۹۹۴) سازگاری اجتماعی به معنای هماهنگ ساختن رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی است که غالباً مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجان‌ها یا نگرش‌هاست. سازگاری اجتماعی در نوجوانان به عنوان مهمترین نشانه‌ی سلامت روان آنان به شمار می‌رود. زیرا دوره‌ی نوجوانی، دوره‌ی حساسی است و سازگاری اجتماعی نوجوان در این دوره دستخوش تحولات عاطفی، جسمانی و ذهنی فوق‌العاده شدیدی است و هنوز به طور کامل رشد نیافته است. رشد روانی-اجتماعی در دوران نوجوانی به تحول عمیق و کیفی تبدیل می‌شود و نوجوان با به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی، می‌تواند جایگاه خود را در میان مراودات اجتماعی و ارتباط با همسالان خود و بزرگسالان پیدا کند و مورد پذیرش اجتماعی قرار گیرد. از اولین و مهمترین عوامل تعیین‌کننده سازگاری نوجوانان، خانواده است. والدین با توجه به نیازهای فرزند خود و ایجاد رابطه عاطفی متعادل با او می‌توانند شرایط مناسب برای رشد همه‌جانبه و سازگاری اجتماعی او را فراهم کنند. در خانواده‌های طلاق، به علت وجود تنش و تعارضات، فرزندان تجربیات منفی زیادی را تجربه می‌کنند. نوجوانی که در دوره رشد روانی-اجتماعی قرار دارد و در این دوره نیاز به آرامش و کمک والدین و کسب مهارت‌های لازم دارد، با وجود تعارضات والدین مشکلات روانشناختی زیادتری را تجربه می‌کند. بالطبع در این شرایط همه نوجوانان نمی‌توانند این تعارضات را تحمل و مدیریت کنند، در نتیجه در معرض مشکلاتی از جمله پرخاشگری، اضطراب و افسردگی قرار می‌گیرند. بر اساس نتایج این پژوهش، مولفه کنترل از الگوی ارتباط والد فرزند، بر سازگاری اجتماعی اثر منفی داشت. والدین کنترل و محدودکننده نظارت شدیدی بر فرزندان خود دارند و به آنها اجازه انجام هرکاری را نمی‌دهند. اولویت اصلی والدین در این سبک زندگی، در امان ماندن فرزندان از تهدیدهای مختلف و تأکید بر اطاعت از والدین است. این سبک والدگری مانع از حق انتخاب و تصمیم‌گیری در فرزندان می‌شود. با توجه به اینکه در دوران بلوغ، نوجوانان نیازهای روانی-عاطفی ویژه‌ای از جمله استقلال طلبی، دلبستگی به همسالان و غیره دارند و به لحاظ هیجانی، حساس و تکانشی هستند، کنترل و نظارت افراطی والدین به دلیل تقابل با نیازهای آن‌ها، موجب درگیری و ناسازگاری عاطفی و رفتاری آن‌ها می‌شود. این مسئله در خانواده‌های طلاق جدی‌تر است و با احتمال زیادتری منجر به کاهش سازگاری اجتماعی آنها می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان داد نحوه روابط والد فرزند در خانواده‌های طلاق تأثیر بسزایی در شاخص‌های بهداشت و سلامت روانی فرزندان نوجوان از جمله بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی آنها دارد. بر این اساس به والدین مطلقه توصیه می‌شود به فرزندان خود توجه کافی داشته باشند، ساعاتی از روز را با آنها بگذرانند، با آنها صحبت کنند و به صحبت‌هایشان گوش دهند و از خواسته‌ها و نیازهایشان آگاه شوند و تا حد معقول آنها را برطرف کنند، و از کنترل شدید و محدودیت افراطی نوجوانان خود بپرهیزند. همچنین نهادهای مرتبط با خانواده از جمله بهزیستی و مراکز فرهنگی شهرداری با در نظر گرفتن وضعیت خانواده‌های طلاق، این خانواده‌ها را تحت حمایت همه‌جانبه قرار دهند و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین مطلقه، نحوه برخورد صحیح با فرزندان بویژه نوجوانان را در این خانواده‌ها آموزش دهند و روابط بین فردی در این خانواده‌ها را بهبود ببخشند. علاوه بر آن، با آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان طلاق، سازگاری اجتماعی و بهزیستی روانشناختی آنها را افزایش داده و به این ترتیب پیامدهای منفی و آسیب‌های طلاق را کاهش دهند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از پرسشنامه در جمع‌آوری اطلاعات اشاره کرد که یک روش خودگزارشی است و صرفاً بر اساس اظهارات پاسخگویان می‌باشد. همچنین نمونه مورد مطالعه محدود به گروه نوجوانان می‌باشد که این باعث محدودیت در تعمیم یافته‌های تحقیق می‌باشد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این موارد رفع شود.

References

1. Nazimi, Alia; Kazemi, Reza; Alizadeh, Ruqieh (2014). Effectiveness of group schema therapy on adjustment problems of children of divorce (12-18 years old) in Ardabil city. International Conference on Psychology and Culture of Life, Mobin Cultural Ambassadors Institute, Istanbul, Turkey.
2. Amato, P. R., & Sobolewski, J. M. (2001), The effects of divorce and marital discord on adult children's psychological well-being. *American Sociological Review*, 66, 900-921
3. Charles, R. (2011). Is there any empirical support for Bowen's concept of differentiation of self, triangulation, and fusion? *The American journal of family therapy*, 29, 279-292.
4. Ebrahimi, Kamerova (2015). Business magazine of efficiency, news code, 44874. URL: <https://bazdeh.org>
5. Gunty, Buri (2008), Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association (Chicago, IL, May 2008). 33 pp.
6. Yonesi, Flora, Moin, L. and Shamshirinia, T. (1389). Comparison of mental health, self-esteem and responsibility of female middle school students from divorced and normal families in Firozabad city, academic year 2017-2018. *Women and Society Quarterly*, 1 (2), 79-95.
7. Sharifi Awadi, Parviz (1379). Comparison of the mental status of divorced and orphaned adolescents between the ages of 15 and 18 in the city of Isfahan, the journal of psychology and educational sciences, number 8.
8. Qamari Gavi, Hossein and Khushnodunyai Chamachai, Behnam (2015). Comparison of social adjustment, mental health and academic performance in children with divorced, divorced and normal parents, *Family Research Quarterly*, 12(45), 69-92.
9. Habibi, Zahra and Sajdi, Jila (13185). A comparative study of the adjustment level of elementary school children from divorced families in Hamadan city. *Scientific Journal of Hamedan Nursing and Midwifery Faculty*, 14 (2).
10. Behari, Saifullah, Farkish, Che Gour (2008). The relationship between personal identity, attachment styles and psychological well-being in youth. *New ideas in educational sciences*, fourth year, number 2 (series 14).
11. Karmi, Sajjad, Dehghani, Yousef and Saadatizadeh, Mehdi (2014). Investigating the relationship between self-esteem and mental health with the psychological well-being of divorced and normal children in 1993 in Kohgiluyeh city. *The first national conference of modern sciences and technologies of Iran*.
12. Taghizadeh, Akram; Aghdasta, Elham and Basharat, Mohammad Ali (2014). The relationship between parents' perceived parenting styles and children's psychological well-being and psychological helplessness, National Conference on Psychology and Social Damage Management, Chabahr, Islamic Azad University, Chabahr branch.
13. Heydar Nia, Ahmed; Sanai, Baqir; Taleghani, Narges. (1384). Mental health and self-esteem of male middle school students in normal families, under the custody of the father and under the custody of the mother. *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, 5 (19), 55-79.
14. Khanjani, M., Shahidi, S., Fathabadi, J., Mazaheri, M. A. and Shukri, A. (1393). Factorial structure and psychometric properties of the short form (18 questions) of RIFF psychological well-being scale in male and female students. *Thought and Behavior*, 32(8), 27-93.